

فصلنامه مطالعات حسابداری

شماره ۲۸ - زمستان ۱۳۸۹

صص ۸۷-۶۳

اثر چرخه عمر واحد تجاری بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی

نظام الدین رحیمیان *

روح اله قیطاسی **

محمد باقر کریمی ***

چکیده

مطالعات قبلی به شواهدی درباره حق الزحمه حسابرسی بابت صرف ریسک دست یافته‌اند. مراحل چرخه عمر واحد تجاری (رشد، بلوغ، افول) عامل بسیار مهم و تاثیرگذار بر عملکرد واحد تجاری و در نتیجه ریسک کسب و کار می‌باشد. این مطالعه به بررسی اثر چرخه عمر واحد تجاری بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی می‌پردازد. جامعه آماری تحقیق، شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ است که حق الزحمه حسابرسی را در صورت‌های مالی افشا

* استادیار حسابداری و عضو هیات علمی مرکز آموزش عالی رجا - نویسنده مسئول Email: norahimian@yahoo.com

** کارشناسی ارشد حسابداری

*** کارشناسی ارشد مدیریت مالی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۷

نموده‌اند. در این تحقیق از مدل حق‌الزحمه حسابرسی سیمیونیک (۱۹۸۰) استفاده شده است. پس از کنترل عوامل کیفیت حسابرسی، اندازه واحد مورد رسیدگی، ریسک مالی، سودآوری، پیچیدگی حسابرسی، اظهارنظر حسابرسی، تغییر حسابرس و پایان سال مالی در مدل قیمت‌گذاری حسابرسی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی واحدهای تجاری در مرحله افول نسبت به مراحل رشد و بلوغ به طور معناداری بالاتر است و حق‌الزحمه حسابرسی در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ تفاوت معناداری ندارد.

واژه‌های کلیدی: چرخه عمر واحد تجاری، حق‌الزحمه حسابرسی، ریسک کسب و کار.

مقدمه

منافع اقتصادی حسابرسان از طریق حق‌الزحمه‌ای تامین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحبکاران عاید می‌شود. آنان برای قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده و در اغلب این مطالعات، عوامل توصیفی شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی مورد توجه قرار گرفته است. حق‌الزحمه خدمات حسابرسی توسط حسابرس و با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد. مطالعات گذشته، اهمیت حق-الزحمه‌های بالقوه حسابرسی را به‌عنوان یکی از ملاحظات اولیه در ارزیابی ریسک و بازده مرتبط با صاحبکار احتمالی^۱ نشان می‌دهد (Johnstone & Bedard, 2003).

ایچنسه‌ر و شیلدز^۲ (۱۹۸۳) بیان می‌کنند که به‌طور کلی، حق‌الزحمه حسابرسی، متغیری کلیدی در موضوع انتخاب حسابرس واحد تجاری می‌باشد. سیمیونیک^۳ (۱۹۸۰) و رابین^۴ (۱۹۸۸) به شواهدی دال بر وجود رقابت در قیمت‌گذاری خدمات در میان حسابرسان پی‌بردند. باب و همکاران (۱۹۹۶) به این نتیجه دست یافتند که

1- Prospective Client
2- Eichenseher & Shields
3- Simunic
4- Rubin

مدل‌های خاص تعیین حق الزحمه حسابرسی، از ابزارهای قدرتمند تجزیه و تحلیل در بازار حسابرسی می‌باشند. سیمونیک و استین (۱۹۹۶) بیان کردند که حق الزحمه‌های حسابرسی به وسیله ریسک کسب و کار^۱ تعیین می‌شوند. در نتیجه، حق الزحمه حسابرسی باید هزینه‌های مورد انتظار ادراک حسابرسان از ریسک کسب و کار پیش روی واحد تجاری را منعکس کند (Bell et al, 2001؛ Lyon & Maher, 2005). در این مطالعه، به منظور بسط ادبیات قیمت گذاری حسابرسی، به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا مراحل چرخه عمر واحد تجاری بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر می‌گذارد یا خیر؟

از زمانی که سیمونیک (۱۹۸۰)، یکی از مدل‌های اولیه قیمت گذاری حسابرسی را طراحی کرد، در بسیاری از مطالعات قیمت گذاری حسابرسی مورد توجه قرار گرفت (Bell et al, 2001؛ Lyon & Maher, 2005). موسسات حسابرسی باید ریسک مرتبط با ارائه خدمات حرفه‌ای در شرایط خاص را به طور مناسب در نظر بگیرند. در حین اینکه حسابرسان، ریسک‌های مرتبط با صاحبکار را ارزیابی می‌کنند، معقولانه به نظر می‌رسد که دو ریسک مرتبط با صاحبکاران، یعنی ریسک کسب و کار و ریسک حسابرسی بر یکدیگر تاثیر بگذارند (Johnston, 2000). بسیاری از محققان، این نظریه را تایید می‌کنند که ارتباط مثبتی بین بعضی از مفاهیم ریسک و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد (Simunic 1980, keefe, Simunic & Stin 1994, Bedard & Johnstone 2004, Bell et al 2001). بدین ترتیب، حسابرسان باید در تعیین حق الزحمه حسابرسی، مشخصه‌های ریسک صاحبکار خود را در نظر گرفته و ریسک‌های مربوط را از طریق حق الزحمه‌های بالاتر جبران کنند. همچنین نتایج آنان این موضوع را تایید می‌کند که حسابرسان نباید تنها روی ریسک مربوط به تهیه صورت‌های مالی تاکید کنند، بلکه باید دید وسیع‌تری نسبت به رفتار تجاری صاحبکار داشته باشند (Allen et al 2006, Lyon & Maher 2005). مشکلات بیان شده توسط سیمونیک (۱۹۸۰)، فرانسیس (۱۹۸۴)، هاس و جاکوب (۱۹۹۱)، جاب و دیگران (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که ریسک از عوامل چند بعدی

1- Business Risk

2- Auditor's Perception

تشکیل شده است. این محققان بیان داشتند که واحدهای تجاری در مراحل مختلف چرخه عمر، ویژگی‌های متفاوتی دارند که بر ریسک کسب و کار و عملکرد آن‌ها تاثیر می‌گذارد. فرض می‌کنیم که در نظر گرفتن اطلاعاتی راجع به مراحل چرخه عمر واحد تجاری در مدل قیمت‌گذاری حسابرسی به ما کمک خواهد کرد تا بعضی از مشکلات مدل‌سازی ریسک‌های کسب و کار برطرف شود. فرصت‌ها، تهدیدها و فشارهای محیط داخلی و خارجی سازمان با مراحل چرخه عمر تغییر می‌کند (Jawahar & Mclaughlin, 2001). محققان در تحقیقات خود بیان می‌کنند که مراحل چرخه عمر عامل شرطی بسیار مهم و موثری بر عملکرد واحد تجاری می‌باشد. لی و اسلاکم^۱ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که ریسک‌های واحد تجاری در مراحل چرخه عمر تغییر می‌کند. بنابراین واحدهای تجاری با ریسک‌های کسب و کار و عملیاتی متفاوتی در مراحل مختلف چرخه عمر روبرو می‌شوند. بعلاوه، ریسک کسب و کار صاحبکار و ریسک حسابرسی به یکدیگر وابسته می‌باشند. این مطالعه، نگاهی اولیه به ارتباط بین مراحل چرخه عمر واحد تجاری و حق‌الزحمه حسابرسی دارد. یافته‌های تحقیق در موضوع قیمت‌گذاری حسابرسی از طریق بیان اثر چرخه عمر واحد تجاری بر ادراک حسابرس از ریسک کسب و کار صاحبکار در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی حائز اهمیت می‌باشد.

پژوهش‌های داخلی

مرادی و پورحسینی (۱۳۸۸)، به بررسی رابطه بین برخی ویژگی‌های مالی و غیر مالی، مدت اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای اندازه، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، سوددهی، نوع اظهارنظر و عمر شرکت با مدت زمان اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی رابطه معنادار آماری وجود دارد. سجادی و زارعی (۱۳۸۶)، به بررسی تاثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی و صاحبکار بر حق‌الزحمه حسابرسی از دیدگاه شرکای موسسه‌های حسابرسی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد، تخصص صنعتی موسسه حسابرسی، کیفیت گزارش

1- Lei and Slocum

حسابرسی، میزان دعاوی حقوقی صاحبکار و تنگناهای فرآیند گزارش حسابرسی در تعیین حق الزحمه حسابرسی مؤثر است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که شهرت موسسه حسابرسی، استقلال حسابرسان موسسه حسابرسی و شهرت صاحبکار در تعیین حق الزحمه حسابرسی مؤثر نیستند.

پژوهش‌های خارجی

وانگ و همکاران (۲۰۰۹)، به بررسی سیاست تقسیم سود و فرضیه چرخه عمر پرداختند. نتایج نشان داد که پرداخت سود سهام در واحدهای تجاری جوان‌تر با توان رشد بالا اما سودآوری پایین، منجر به توزیع سود به شکل سود سهمی نسبت به سود نقدی می‌شود. زمانی که واحدهای تجاری بالغ‌تر می‌شوند، توان رشد پایین و سودآوری بالا، منجر به توزیع بیشتر سود نقدی در مقابل سود سهمی می‌شود. بگریا سو (۲۰۰۷)، به بررسی اثر چرخه عمر واحد تجاری در تعیین نرخ بازده مورد انتظار پرداخته است. یافته اصلی تحقیق حاکی از اثر معنادار مراحل چرخه عمر است. نتایج نشان می‌دهد که مربوط بودن ارزش عوامل ریسک، مشروط به مراحل چرخه عمر واحد تجاری است. آهارونی و همکاران (۲۰۰۶) به مقایسه توان توضیحی معیارهای مبتنی بر جریان‌های نقدی و معیارهای مبتنی بر ارقام تعهدی در تبیین ارزش شرکت در مراحل مختلف چرخه عمر پرداختند. نتایج نشان داد که در مرحله رشد توان توضیحی معیارهای مبتنی بر جریان‌های نقدی بیشتر بوده و در مراحل بلوغ و افول توان توضیحی معیارهای مبتنی بر ارقام تعهدی بیشتر است. جنکینز و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی اثر چرخه عمر بر مربوط بودن ارزش مولفه‌های عایدی پرداختند. نتایج حاکی از جابجایی در مربوط بودن ارزش مولفه‌های عایدی از تأکید بر رشد در مراحل اولیه چرخه عمر به تأکید بر سودآوری در مراحل پایانی چرخه عمر است. بلک (۱۹۹۸) به بررسی رابطه سود و جریان‌های نقدی با ارزش شرکت در مراحل مختلف چرخه عمر پرداخت. در مراحل تولد و افول جریان‌های نقدی مربوط‌تر از سود بوده و در مرحله بلوغ عکس این موضوع صادق است. آنتونی و رامش (۱۹۹۲) به بررسی رابطه معیارهای ارزیابی عملکرد با قیمت بازار سهام در

مراحل مختلف چرخه عمر شرکت پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که واکنش بازار سهام به دو معیار عملکرد حسابداری، رشد فروش و وجوه سرمایه‌گذاری شده، پس از کنترل اندازه واحد تجاری، ریسک و خطای اندازه‌گیری در معیارهای عملکرد، تابعی از مراحل چرخه عمر واحد تجاری است. به طوری که میزان مربوط بودن معیارهای رشد فروش و مخارج سرمایه‌ای از مرحله‌ی ظهور تا افول روند نزولی دارد. نیکینن و دیگران (۲۰۰۵)، اثر ریسک بر قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی در کشور انگلستان را بررسی نموده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که حق‌الزحمه خدمات حسابرسی با ابعاد ریسک (ریسک مالی، ریسک عملیاتی و ریسک تجاری) رابطه‌ای مستقیم دارد. طبق یافته‌های پژوهش هزینه‌های نمایندگی، حجم عملیات شرکت و پیچیدگی حسابرسی از توانایی توصیف حق‌الزحمه خدمات حسابرسی برخوردار هستند. تیلور و دیگران (۱۹۹۹)، اثر عوامل خرد (شامل ویژگی‌های حسابرسان و واحد مورد حسابرسی) و کلان اقتصادی (قانونگذاری، میزان افشای اطلاعات و دعاوی طرح شده علیه حسابرسان) بر حق‌الزحمه خدمات حسابرسی را در ۲۰ کشور مختلف و در سطح بین‌المللی بررسی نموده‌اند. طبق نتایج پژوهش، شرایط محیطی (قانونگذاری، میزان افشا و دعاوی طرح شده علیه حسابرسان) بر نوسانات حق‌الزحمه حسابرسی در بازار جهانی خدمات حسابرسی تاثیر می‌گذارد و میان میل به قانونگذاری بیشتر، سطوح افشای اطلاعات بالاتر و طرح دعاوی بیشتر علیه حسابرسان با حق‌الزحمه بیشتر خدمات حسابرسی، رابطه مستقیم وجود دارد.

مروری بر ادبیات و فرضیه‌ها

بل و دیگران^۱ (۲۰۰۱)، طی تحقیقات تجربی دریافتند که ریسک کسب و کار بالا، میزان ساعات کار حسابرسی را بالا برده و بدین ترتیب با افزایش ریسک کسب و کار، حق‌الزحمه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. لیون و ماهر^۲ (۲۰۰۵)، به شواهدی دست یافتند که در بازار حسابرسی، زمانی که حسابرسان ریسک کسب و کار را در سطح صاحبکار ارزیابی می‌کنند، هزینه‌های مورد انتظار خود از صاحبکار را به شکل

1- Bell et al

2- Lyon and Maher

حق الزحمه‌های بالاتر حسابرسی دریافت می‌کنند. لذا هنگامی که حسابرسان سازوکاری برای تعیین ریسک کسب و کار صاحبکار دارند، حق الزحمه‌های حسابرس، این سازوکار را منعکس خواهد نمود، اما بعضی از حسابرسان ادعا می‌کنند که ریسک کسب و کار را نمی‌توان صریحاً در تعیین حق الزحمه‌های حسابرسی گنجانند، زیرا نمی‌توان آن را به‌طور دقیق اندازه‌گیری نمود. ریسک کسب و کار را می‌توان در دو نوع ریسک صاحبکار و ریسک حسابرس در نظر گرفت. از دیدگاه ریسک خاص صاحبکار، مفهوم ریسک کسب و کار می‌تواند مانند بتای واحد تجاری اندازه‌گیری شود، که می‌توان آن را از ریسک مالی یا ریسک عملیاتی واحد تجاری متمایز کرد. ریسک‌های صاحبکار را می‌توان به‌وسیله مجموعه‌ای از متغیرهای توضیحی اندازه‌گیری نمود که شامل اهرم، اندازه، فرصت‌های رشد و دیگر ویژگی‌های واحد تجاری است. گال و تسوی^۱ (۲۰۰۱)، و نیکینن و همکاران^۲ (۲۰۰۵) اعتقاد دارند که هر دو نوع ریسک با یکدیگر ارتباط دارند. نوع دوم ریسک کسب و کار، ریسکی است که حسابرس از جنبه هزینه‌های دعاوی یا مشکلات اعتباری با آن مواجه می‌شود (Huston et al, 1999, Gul & Tsui, 2001). بنابراین مهمترین جزء ریسک کسب و کار برای حسابرسان، "ریسک حسابرسی" خاص صاحبکار می‌باشد. مک‌الستر و دراسمیت (۱۹۸۲) معتقد بودند که ریسک کسب و کار یا ابهامی که صاحبکار با آن روبرو می‌شود، بر ماهیت، زمان‌بندی و ابعاد فرآیند حسابرسی اجرا شده تأثیر می‌گذارد. در نتیجه متغیرهایی که ویژگی‌های ریسک صاحبکار را منعکس می‌کنند، باید رابطه مثبتی با حق الزحمه حسابرسی داشته باشند (Nikkinen et al, 2005). مراحل چرخه عمر، سازوکاری برای اندازه‌گیری معیار چند بعدی و گسترده ریسک کسب و کار می‌باشد، بنابراین باید برای حسابرسان بعنوان شاخص احتمال خطر حسابرسی خاص صاحبکار مفید واقع شود. در زیر سه مرحله مدل چرخه عمر واحد تجاری توضیح داده می‌شود.

1- Gul & Tsui
2- Nikkinen et al

مرحله اول: رشد

به دلیل رشد فروش و سودهای غیرقابل پیش‌بینی ناشی از ابهام در میزان تقاضا برای محصولات، واحدهای تجاری در این مرحله ریسک کسب و کار بالاتری متحمل می‌شوند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که گرچه ممکن است میزان تقاضا برای محصولات در حال افزایش باشد، احتمال دارد محصولات واحد تجاری هنوز مورد مقبولیت عام مصرف‌کنندگان واقع نشده باشد (Choo et al, 1997). افزایش سود و جریان وجوه نقد در طی این مرحله حائز اهمیت بسیاری است. در مرحله رشد، واحد تجاری بر ترس خروج سریع از بازار فائق آمده و با بقای در بازار به میزانی از موفقیت دست یافته است. در این مرحله، واحد تجاری فعالانه به دنبال جستجو و به کارگیری طرح‌های توسعه بوده و برای دستیابی به مزایای بلند مدت رقابتی و محصولات جدید به سرمایه بیشتری نیاز دارد. بنابراین واحدهای تجاری در مرحله رشد به انجام فعالیت‌های مالی برای دستیابی به سرمایه مورد نیاز می‌پردازند. پنمن (۲۰۰۱) به این نتیجه دست یافت که جریان وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی معمولاً تا زمانی که محصولات مورد قبول بازار واقع شود، کم می‌باشد. بنابراین برای تحقق فرصت‌های رشد به جریان وجه نقد حاصل از تامین مالی بالایی نیاز خواهد بود. از سوی دیگر، واحدهای تجاری در این مرحله به پیشرفت در تغییرات فناوری تکیه می‌کنند، اما باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری بالا و مخارج تحقیق و توسعه برای ایجاد محصولات جدید، موفقیت این محصولات را تضمین نمی‌کند. تمام این عوامل باعث می‌شود تا واحدهای تجاری در مرحله رشد، ریسک کسب و کار بالاتری داشته باشند. واحدهای تجاری فعال در محیط‌های صنعتی غیرقابل پیش‌بینی، احتمالاً ریسک کسب و کار بالاتر و در نتیجه احتمال خطر حسابرسی بیشتری داشته باشند. هرگونه تغییرات غیرمنتظره در صورت‌های مالی به احتمال زیاد می‌تواند در نتیجه محیط بی‌ثبات و متغیری باشد که صاحبکار با آن روبرو می‌باشد (Choo et al, 1997). بنابراین حساب‌برسان ریسک بالاتری را متحمل شده و برای حسابرسی صورت‌های مالی و اطلاعات مربوط به صاحبکاری که در مرحله رشد است، نیاز به تلاش بیشتری دارند و باید حق‌الزحمه حسابرسی بالاتری را

مطالبه کنند. از سوی دیگر، به منظور جذب و حفظ صاحبکارانی که توان و فرصت رشد آتی بالاتری دارند، حسابرسان ممکن است در این مرحله راهبرد قیمت گذاری پایین را اتخاذ کنند.

مرحله دوم: بلوغ

ریسک کسب و کار واحدهای تجاری در مرحله بلوغ معمولاً کمتر از واحدهای تجاری در دیگر مراحل چرخه عمر می‌باشد (Rajaram, 1996). با توجه به اینکه فروش واحد تجاری بالغ به ثبات قابل ملاحظه‌ای رسیده است، جریان وجه نقد عملیاتی بیشتری خواهد داشت (Black 1998, Hand 2003). بنابراین واحد تجاری اغلب جریان نقد ورودی کافی برای برآورده کردن نیازهای داخلی خود خواهد داشت. همچنین پنمن (۲۰۰۱) بیان می‌دارد که ظرفیت سرمایه گذاری اولیه برای پاسخگویی به تقاضای بالای بازار در مرحله بلوغ کافی بوده و واحد تجاری جریان نقد ورودی بیشتری ایجاد خواهد کرد. در مقایسه با واحدهای تجاری در مراحل دیگر چرخه عمر، واحدهای تجاری فعال در مرحله بلوغ تغییرات فناوری کمتری دارند. محیط باثبات، منجر به نتایج مالی می‌شود که از نتایج سال قبل انحراف زیادی نخواهد داشت (Francis, 1984). بنابراین به احتمال زیاد حسابرسان انتظارات معقولی از نتایج مالی اخیر داشته و رویه‌های حسابرسی می‌توانند به‌طور خیلی موثری اجرایی شوند. چو و دیگران (۱۹۹۷) دریافتند که روش‌های تحلیلی حسابرسی برای واحدهای تجاری در مرحله بلوغ موثرتر خواهد بود. در مجموع، واحدهای تجاری در این مرحله، معمولاً تجارب مدیریتی بهتری داشته و ریسک ورشکستگی کمتری خواهند داشت، از این رو، ریسک کسب و کار مرحله بلوغ از دیگر مراحل چرخه عمر نسبتاً کمتر می‌باشد.

مرحله سوم: افول

با ورود واحد تجاری به مرحله افول، ریسک کسب و کار نیز افزایش می‌یابد. معمولاً واحد تجاری در این مرحله با افت میزان فروش، فناوری‌های جایگزین یا

حتی منسوخ شدن محصولات روبرو می‌شود. در این مرحله، عایدی واحد تجاری احتمالاً حداقل یا منفی بوده و بازده سرمایه‌گذاری معمولاً به خاطر فرصت‌های محدود سرمایه‌گذاری، افت کلی بازار و زیان عملیات، پایین خواهد بود (Chaganti, 1987). تقاضا برای محصولات و خدمات واحد کاهش یافته و واحدهای تجاری ناکارا مجبور به خروج از صنعت می‌شوند (Pashley & Philipatos, 1990). در ضمن واحدهای تجاری با مشکلات نقدینگی مواجه می‌شوند. به دلیل تغییرات در محیط و ابداع محصولات جدید، واحدهای تجاری در مرحله افول، باید فشار بیشتری را نسبت به واحدهای تجاری در مراحل دیگر چرخه عمر تحمل کنند (Black, 1998). تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که حساب‌برسان در برابر صاحبکاران دارای ریسک بالاتر برای دستیابی به سطح اطمینان مشخص و کاهش ریسک دعاوی حقوقی، تلاش بیشتری را انجام می‌دهند (Johnstone, 2000). بنابراین، باید حق‌الزحمه حسابرسی برای واحدهای تجاری در مرحله افول نسبت به دیگر مراحل چرخه عمر بیشتر باشد.

فرضیه‌های تحقیق

واحدهای تجاری در مراحل چرخه عمر، با ریسک کسب و کار گوناگونی روبرو می‌شوند. انتظار می‌رود که حق‌الزحمه حسابرسی با ادراک حساب‌برسان از ریسک کسب و کار صاحبکار و ریسک حسابرسی افزایش یابد. بنابراین این مطالعه استنباط می‌کند که حق‌الزحمه حسابرسی در مراحل مختلف چرخه عمر متفاوت است و فرضیه‌ها بدین ترتیب تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: حق‌الزحمه حسابرسی در مرحله رشد، از مرحله افول نسبتاً پایین‌تر است. فرضیه دوم: حق‌الزحمه حسابرسی در مرحله بلوغ، از مرحله افول نسبتاً پایین‌تر است.

دو دیدگاه در مورد حق‌الزحمه حسابرسی در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ وجود دارد. زمانی که ریسک بالاتر واحدهای تجاری در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ، منجر به حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ می‌-

شود. از سوی دیگر، به منظور جذب و حفظ صاحبکارانی که توان و فرصت رشد آتی بالاتری دارند، حسابرسان ممکن است در مرحله رشد راهبرد قیمت گذاری پایین را اتخاذ کنند که منجر به حق الزحمه حسابرسی پایین تر در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ می شود. به دلیل این که نمی توان پیش بینی کرد که کدامیک بر دیگری چیره خواهد شد، دو فرضیه دیگر ارائه شد:

فرضیه سوم: حق الزحمه حسابرسی در مرحله بلوغ از مرحله رشد نسبتاً کمتر است.

فرضیه چهارم: حق الزحمه حسابرسی در مرحله بلوغ از مرحله رشد نسبتاً بیشتر است.

روش تفکیک واحدهای تجاری در مراحل چرخه عمر

این تحقیق روش دسته بندی آنتونی و رامش (۱۹۹۲) و بلک (۱۹۹۸) را به منظور دسته بندی مناسب سال - شرکت در مراحل چرخه عمر، دنبال می کند. برای بررسی اثر چرخه عمر، مشاهدات سال-شرکت براساس معیارهای رشد فروش، تغییر در مخارج سرمایه ای و عمر شرکت به سه دسته در حال رشد، بالغ و در حال افول تقسیم بندی شدند.

$$SG_t = ((SALES_t - SALES_{t-1}) / (SALES_{t-1})) * 100$$

$$CEV_t = (CE_t / VALUE_t) * 100$$

$$AGE = CYEAR - FYEAR$$

SG رشد فروش، CEV تغییر در مخارج سرمایه ای، AGE عمر شرکت، $SALES_t$ فروش در سال t ، CE_t مخارج سرمایه ای در سال t ، که از تغییر دارایی های ثابت بین سال های t و $t-1$ به دست می آید، $VALUE_t$ ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به اضافه ارزش دفتری بدهی های بلند مدت در سال t ، $CYEAR_t$ سال جاری در محاسبات و $FYEAR$ سال تاسیس شرکت می باشد. نرخ رشد فروش و مخارج سرمایه ای، از بیشترین به کمترین و عمر واحد تجاری، از کمترین به بیشترین رتبه بندی می شوند. با توجه به جدول (۱) مشاهدات سال - شرکت را به سه گروه تقسیم کرده و به در حال رشد امتیاز ۳، بالغ امتیاز ۲ و به در حال افول امتیاز ۱ تخصیص می دهیم. امتیازات سه معیار را برای سال - شرکت جمع کرده و امتیاز ترکیبی هر مشاهده را به دست می آوریم. سپس مشاهدات را براساس این امتیاز

ترکیبی مرتب و به سه دسته تقسیم می‌کنیم که سال- شرکت‌های در حال رشد، بالغ و در حال افول مشخص می‌شوند.

جدول (۱) تفکیک چرخه عمر

چرخه عمر	رشد فروش	تغییر در مخارج سرمایه‌ای	عمر شرکت
رشد	بالا	بالا	جوان
بلوغ	متوسط	متوسط	بالغ
افول	پایین	پایین	پیر

اندازه‌گیری متغیرها

تعریف و اندازه‌گیری متغیرها در مدل قیمت‌گذاری حسابداری به شرح زیر می‌باشد:

۱- متغیر وابسته: حق‌الزحمه حسابداری

این مطالعه حق‌الزحمه حسابداری را با استفاده از لگاریتم طبیعی به منظور کاهش ناهمگونی پسماندها اندازه‌گیری می‌کند، (Lyon & Maher, 2005)

۲- متغیر مستقل: مراحل چرخه عمر

مدل رگرسیون را برای سه گروه برآزش می‌کنیم. گروه ۱، شامل شرکت‌های در مراحل رشد و افول، گروه ۲، شامل شرکت‌های در مراحل بلوغ و افول و گروه ۳ شامل شرکت‌های مراحل رشد و بلوغ می‌باشند. برای هر سه گروه نیز مرحله قبل برابر با یک و مرحله بعد برابر با صفر می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود علامت‌های STAGE جز برای فرضیه چهارم منفی باشد.

متغیر کنترلی

نوع حسابرس

سازمان حسابداری در ایران به عنوان یک موسسه حسابداری دولتی به ارائه خدمات حرفه‌ای حسابداری می‌پردازد و به نسبت سایر موسسات حسابداری، از حجم

صاحبکاران بالاتری برخوردار است. به علاوه به واسطه ساختار دولتی و انتخاب قهری، این سازمان در پذیرش کار و تعیین حق الزحمه خدمات حرفه‌ای از حاشیه امنیتی برخوردار است که توانسته در عرصه رقابت با سایر موسسات حسابرسی غیر دولتی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص دهد. بنابراین انتظار می‌رود که علامت BIG مثبت باشد.

اندازه واحد مورد حسابرسی

هر اندازه کسب و کار صاحبکار بزرگ‌تر باشد، پیچیدگی آن نیز به مراتب بیشتر خواهد بود (Francis & Simon 1987). به این خاطر که کسب و کار بزرگ‌تر و پیچیده‌تر نیاز به تلاش بیشتری دارد، انتظار می‌رود که حق الزحمه حسابرسی بیشتر شود. همچنین بل و دیگران (۲۰۰۱) بیان می‌دارند که بین اندازه صاحبکار و احتمال خطر حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد. انتظار می‌رود علامت LNTA مثبت باشد.

ریسک مالی واحد تجاری

اهرم به‌طور عمده ریسک مالی صاحبکار را اندازه‌گیری می‌کند. تحقیقات گذشته نشان می‌دهند که حسابرسان هنگام حسابرسی صاحبکار با مشکلات مالی، باید تلاش بیشتری را برای جلوگیری از ریسک دادخواهی^۱ علیه خود انجام دهند (Johnstone 2000). بنابراین در این مطالعه از نسبت بدهی (LEVERAGE) به‌منظور نشان دادن ریسک مالی استفاده می‌شود و انتظار علامت مثبت برای این متغیر می‌رود.

به‌طور کلی، سابقه زیان صاحبکار، با مشکل مالی واحد مورد حسابرسی در ارتباط می‌باشد. این شاخص به نظر می‌رسد که نشان دهنده ریسک کسب و کار یا ریسک عملیاتی واحد مورد حسابرسی و به‌طور غیرمستقیم ریسک کسب و کار حسابرس باشد (Simunic 1980) علامت مورد انتظار معمولاً مثبت می‌باشد. اما بعضی از تحقیقات نشان می‌دهند که علامت مورد انتظار منفی است، زیرا حسابرسان حق الزحمه حسابرسی را برای صاحبکاران دارای مشکلات مالی، پایین می‌آورند.

لذا هیچ‌گونه پیش‌بینی راجع ضریب LOSS نمی‌کنیم.

سودآوری

بازده دارایی‌های صاحبکار (ROA) شاخصی به منظور ارزیابی ظرفیت سودآوری واحد تجاری بوده و علامت مورد انتظار منفی می‌باشد (Simunic 1980, Bedard & Johnstone 2004). اما فرانکل و همکاران (۲۰۰۲) دریافته‌اند هنگامی که واحدهای تجاری هزینه نمایندگی بالایی را به دلیل افزایش جریان وجه نقد آزاد دارند، بازده دارایی ممکن است به عنوان متغیر نشان دهنده هزینه نمایندگی بوده و در نتیجه علامت مورد انتظار مثبت باشد. لذا هیچ پیش‌بینی راجع به علامت ضریب ROA نمی‌شود.

پیچیدگی حسابرسی

واحدهای تجاری با حساب‌های دریافتنی و موجودی بالا محیط عملیاتی پیچیده‌تری دارند، که این مساله ریسک کسب و کار بیشتری را موجب شده و خود باعث افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. سایمن و فرانسیس (۱۹۸۸) رابطه مثبت معناداری بین این متغیر و متغیر پیچیدگی دریافتند. علامت مورد انتظار LININVAR مثبت می‌باشند.

اظهار نظر حسابرسی

در مدل قیمت‌گذاری حسابرسی سایمونیک (۱۹۸۰) اظهار نظر مقبول حسابرسان بدین معنی است که آنها احتمال خطر حسابرسی پایینی را احراز کردند و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی را پایین می‌آورند. بنابراین علامت مورد انتظار منفی می‌باشد.

تغییر حسابرسی

بعضی از شواهد نشان می‌دهد که کاهش حق‌الزحمه حسابرسی در مراحل اولیه خدمات حسابرسی وجود دارد (Pong & Whittington, 1994). بنابراین هنگامی که واحدهای تجاری، حسابرسان را تغییر می‌دهند، حق‌الزحمه حسابرسی پایین‌تر خواهد آمد. علامت مورد انتظار منفی می‌باشد.

پایان سال مالی

کار حسابرسی به واسطه مطابقت سال مالی بسیاری از شرکت‌ها با سال خورشیدی به صورتی درآمده است که تراکم فعالیت حسابرسان در مقطعی از زمان، یعنی چهار ماه اول سال خورشیدی بسیار زیاد می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود حسابرسان برای کاهش این تراکم کاری تمایل زیادی به انجام حسابرسی شرکت‌هایی داشته باشند که پایان سال مالی آن‌ها مطابق با سال خورشیدی نباشد و برای این منظور حق الزحمه کمتری را دریافت نمایند. علامت مورد انتظار مثبت می‌باشد.

مدل پژوهش

از مدل رگرسیون تلفیقی سایمونیک (۱۹۸۰)، استفاده می‌شود که به طور گسترده در تحقیقات فرانسیس (۱۹۸۴)، فرانسیس و سایمن (۱۹۸۷) و کراس و دیگران (۱۹۹۵) نیز استفاده شد. مدلی تخمینی به این صورت است:

$$LNAU = \alpha_0 + \alpha_1 STAGE + \alpha_2 BIG + \alpha_3 LNINVAR + \alpha_4 LEVERAGE + \alpha_5 LNTA + \alpha_6 ROA + \alpha_7 NEW + \alpha_8 OPIN + \alpha_9 LOSS + \alpha_{10} YEAR + \varepsilon_{it}$$

LNAU: لگاریتم حق الزحمه حسابرسی

STAGE: گروه ۱: مرحله رشد ۱ و مرحله افول ۰؛ گروه ۲: مرحله بلوغ ۱ و مرحله افول ۰؛

گروه ۳: مرحله رشد ۱ و مرحله بلوغ ۰؛

BIG: اگر حسابرس، سازمان حسابرسی باشد ۱ و در غیر این صورت ۰؛

LNINVAR: لگاریتم مجموع حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها؛

LEVERAGE: نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها؛

LNTA: لگاریتم مجموع دارایی‌ها؛

ROA: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها؛

NEW: اگر حسابرس تغییر کرده باشد ۱ و در غیر این صورت ۰؛

OPIN: اگر حسابرس اظهار نظر مقبول استاندارد ارائه نماید ۱ و در غیر این صورت ۰؛

LOSS: اگر صاحبکار برای سه سال گذشته زیان گزارش کرده باشد ۱ و در غیر این صورت ۰؛

YEAR: اگر پایان سال مالی صاحبکار ۲۹ اسفند باشد ۱ و در غیر این صورت ۰؛

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

جامعه آماری تحقیق

کلیه شرکت‌های غیرمالی حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ که حائز شرایط زیر باشند:

۱- این شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۲- هزینه حسابرسی را در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی افشا کرده باشند.
تنها تعداد ۷۰ شرکت (۴۹۰ سال - شرکت) حائز شرایط فوق شدند که تمام آن‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

آزمون فرضیات رگرسیون خطی

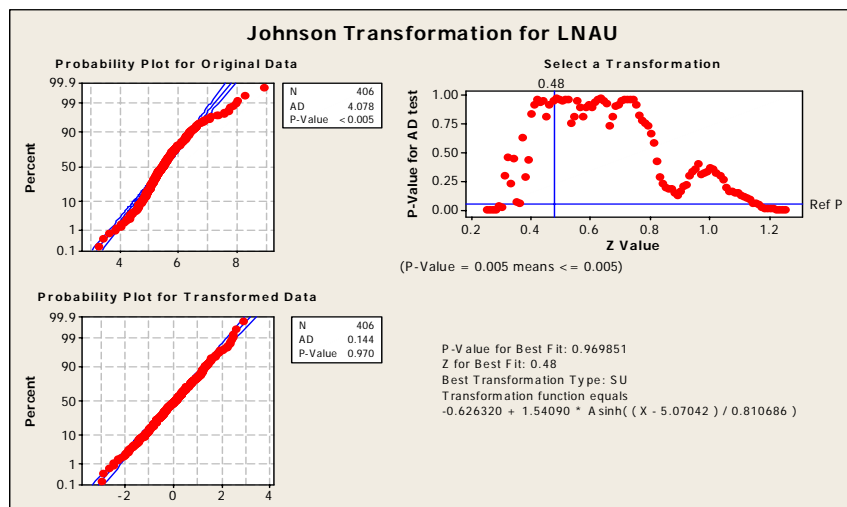
به منظور آزمون همسانی واریانس از آزمون وایت، آزمون توزیع نرمال خطا از آزمون جاک - برا (Bera-Jarque)، آزمون خودهمبستگی بین خطاها و متغیرهای مستقل از آزمون‌های دوربین - واتسون و LM استفاده شد. چون احتمال آماره‌های فوق بیش‌تر از ۵ درصد بود، لذا فرضیات فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته شدند.

آزمون فرضیات

برای آزمون فرضیات از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در نرم‌افزار Eviews 6 و Minitab15 استفاده شد. چون توزیع پسماندهای رگرسیون نرمال نبود، بنابراین برای نرمال‌سازی توزیع متغیر وابسته یعنی حوالزحمه حسابرسی (LNAU) از تبدیل جانسون در نرم‌افزار Minitab15 استفاده شد. شکل (۱)

خروجی نرم افزار Minitab15 برای تبدیل این متغیر را نشان می دهد. بنابراین بجای استفاده از حق الزحمه حسابرسی (LNAU)، از مقادیر تبدیل شده، یعنی حق الزحمه حسابرسی تبدیل شده (TLNAU) استفاده شد.

شکل (۱) نمودار حق الزحمه حسابرسی تبدیل شده



نتایج تحقیق

جدول (۲) خلاصه آمار توصیفی متغیرها را در مراحل مختلف چرخه عمر نشان می دهد. بالاترین میانگین حق الزحمه حسابرسی، در مرحله افول می باشد که مطابق با استنباط ما از این موضوع است که حسابرسان حق الزحمه بیشتری را از صاحبکاران با ریسک کسب و کار بالا مطالبه می کنند.

جدول ۲. خلاصه آمار توصیفی متغیرها در مراحل مختلف چرخه عمر

	مرحله افول			مرحله بلوغ			مرحله رشد		
	انحراف معیار	میانه	میانگین	انحراف معیار	میانه	میانگین	انحراف معیار	میانه	میانگین
TLNAU	۰.۹۶	۰.۰۹	۰.۱۲	۱.۰۸	-۱۸۰	-۰.۰۵	۱.۰۲	۰.۰۰۴	-۰.۰۴۲
BIG	۰.۴۱	۰.۰۰	۰.۲۱	۰.۴۳	۰.۰۰	۰.۲۵	۰.۴۸	۰.۰۰	۰.۳۶
LNINVAR	۱.۳۳	۱۱.۵	۱۱.۷	۱.۳۵	۱۱.۷	۱۱.۸	۱.۳	۱۱.۷	۱۱.۸
LEVERAGE	۰.۶۴	۰.۷۴	۰.۸۳	۰.۷۰	۰.۷۰	۰.۸۰	۰.۴۳	۰.۷	۰.۷۶
LNTA	۱.۴	۱۲.۲	۱۲.۵	۱.۵	۱۲.۴	۱۲.۵	۱.۴۵	۱۲.۴	۱۲.۶
ROA	۰.۱۳	۰.۷	۰.۰۶	۱.۵	۰.۱۱	۰.۱۲	۰.۱۸	۰.۱۴۳	۰.۱۴

جدول (۳) ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون متغیرها را توصیف می کند. نتایج نشان می دهد که بین حق الزحمه حسابرسی و نوع حسابرسی (BIG) رابطه مثبت وجود دارد که منطبق با تحقیقات قبل است. بین حق الزحمه حسابرسی و اندازه واحد مورد حسابرسی (LNTA) رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین نوع حسابرسی (BIG) و اندازه واحد مورد حسابرسی (LNTA) رابطه مثبت وجود دارد. این موضوع نشان می دهد که صاحبکاران بزرگ، از حق الزحمه حسابرسی بالایی برخوردارند و نیاز به حسابرسی بزرگتری دارند. در مجموع روابط مشاهده شده بین متغیرها، مطابق با انتظارات قبلی است.

جدول (۳) ضرایب همبستگی بین متغیرها

ROA	LNTA	LEVERAGE	LNINVAR	BIG	TLNAU	
۰.۲۵*	۰.۵۷*	-۰.۲۳*	۰.۵۶*	۰.۳۶*	۱	TLNAU
۰.۰۸***	۰.۳*	-۰.۰۸	۰.۳۰۴*	۱	۰.۳۵*	BIG
۰.۳۴*	۰.۹۱*	-۰.۲۶۶*	۱	۰.۲۸*	۰.۵۴*	LNINVAR
-۰.۶*	-۰.۳*	۱	-۰.۱۲**	-۰.۰۸	-۰.۲۵*	LEVERAGE
۰.۳۶*	۱	-۰.۲*	۰.۹*	۰.۲۹*	۰.۵۵*	LNTA
۱	۰.۲۸*	-۰.۴۸*	۰.۳۵*	۰.۱۳*	۰.۲۵*	ROA

چپ بالا: ضریب همبستگی پیرسون؛ راست پایین: ضریب همبستگی اسپیرمن.

***، **، * به ترتیب معنادار در سطوح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪.

جدول (۴)، نتایج آزمون فرضیات رگرسیون خطی را نشان می دهد. با توجه به اینکه احتمال آماره‌های مربوط، بزرگتر از ۵ درصد است، لذا فرضیات رگرسیون خطی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می گردد.

جدول (۴) نتایج آزمون فرضیات رگرسیون خطی

واحد‌های تجاری در مراحل رشد و بلوغ	واحد‌های تجاری در مراحل بلوغ و افول	واحد‌های تجاری در مراحل رشد و افول	
۲.۵۰۴	۵.۹۷	۸.۱	آزمون نرمال بودن آماره جاک - برا
۰.۲۱	۰.۱۰۵	۰.۰۵۰۳	احتمال
۰.۲۰۳۲	۳.۰۱۳	۰.۵۷۸	آزمون خودهمبستگی LM
۰.۶۵۲۶	۰.۰۸۳۹	۰.۴۴۷۷	آماره F
۰.۶۹۶	۱.۱۷۲	۱.۸۲۵	احتمال
۰.۷۲۶	۰.۳۱۱	۰.۰۵۶	آزمون ناهمسانی واریانس وایت آماره F
			احتمال

جدول (۵)، نتایج مدل قیمت‌گذاری حسابرسی را برای هر یک از گروه‌های چرخه عمر واحد تجاری نشان می‌دهد. قسمت الف و ب این جدول نشان می‌دهد که ضرایب متغیر چرخه عمر (STAGE) منفی و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین فرضیات اول و دوم تحقیق تایید می‌گردد که حق‌الزحمه حسابرسی در مرحله افول به طور معناداری نسبت به مراحل رشد و بلوغ بالاتر است و منطبق با استنتاج‌های این مطالعه است. همچنین یافته‌ها مطابق با نتایج لیون و ماهر (۲۰۰۵) است که حساب‌رسان هزینه‌ای را برای ریسک صاحبکاران خود در نظر می‌گیرند. قسمت ج جدول (۵)، نتایج مربوط به آزمون فرضیات سوم و چهارم را نشان می‌دهد. ضریب متغیر چرخه عمر (STAGE) منفی می‌باشد که نشان می‌دهد، واحد‌های تجاری در مرحله بلوغ حق‌الزحمه حسابرسی بالاتری نسبت به مرحله رشد دارند، هر چند در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نمی‌باشد. نتایج این واقعیت را منعکس می‌کند که حساب‌رسان به صورت کلی، راهبرد کاهش قیمت در مرحله رشد را در بازار حسابرسی ایران دنبال می‌کنند، هر چند صاحبکاران ریسک کسب و کار بالاتری دارند.

ضریب متغیر اندازه واحد مورد حسابرسی (LNTA) مثبت و معنادار می‌باشد که نشان می‌دهد بین حق‌الزحمه حسابرسی و اندازه واحد مورد حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد که مطابق با تحقیقات سیمونیک (۱۹۸۴)، فرانسیس (۱۹۸۴) است. ضریب متغیر نوع حسابرِس (BIG)، مثبت و معنادار است که نشان می‌دهد این متغیر

با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت دارد. بنابراین سازمان حسابرسی با توجه به انتخاب قهری، حق الزحمه حسابرسی بالاتری را نسبت به موسسات حسابرسی دریافت می کنند. ضریب متغیر پیچیدگی حسابرسی (LNINVAR)، مثبت و معنادار می باشد که نشان می دهد بین حق الزحمه حسابرسی و پیچیدگی واحد مورد حسابرسی رابطه مثبت وجود دارد.

جدول (۵) نتایج رگرسیون مربوط به گروه های مختلف

ج		ب		الف			
واحدهای تجاری در مراحل رشد و بلوغ		واحدهای تجاری در مراحل بلوغ و افول		واحدهای تجاری در مراحل رشد و افول			
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	علامه ت مورد انتظار	متغیر
-4.68	0.00*	-4.561	-8.31*	-3.853	-7.91*	?	C
-0.088	0.394	-0.304	-2.81*	-0.313	-3.23*	-	STAGE
0.531	0.00*	0.509	3.89*	0.485	4.43*	+	BIG
0.146	0.132	0.231	2.46*	0.193	2.33**	+	LNINVAR
0.070	0.557	0.053	0.54	-0.139	-1.19	+	LEVERAGE
0.226	0.009*	0.140	1.61	0.152	1.99**	+	LNTA
0.001	0.999	1.187	2.16**	-0.293	-0.66	?	ROA
-0.005	0.976	0.176	1.25	0.071	0.55	-	NEW
0.254	0.025*	0.15	1.08	0.205	1.83**	-	OPIN
-0.359	0.08**	-0.105	-0.63	-0.475	-3.03*	?	LOSS
-0.173	0.234	-0.034	-0.24	-0.152	-1.17	+	YEAR
19.7 *		16.6*		19.8*			F-statistic
0.425		0.382		0.383			ضریب تعیین تعدیل شده
1.92		1.78		1.91			آماره دورین - واتسون

*** ، ** ، * به ترتیب معنادار در سطوح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪.

نتیجه گیری

تحقیقات قبل نشان می دهند که صاحبکاران با ریسک کسب و کار بالا، هزینه هایی

را بابت ریسک مورد انتظار متقبل می‌شوند (Johnstone & Bedard, 2003, Lyon & Maher, 2005) و پیشنهاد می‌کنند که حسابرسان باید ویژگی‌های صاحبکار خود را در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی در نظر بگیرند و بخشی از ریسک کسب و کار را به شکل حق‌الزحمه بالاتر انتقال دهند. در این مطالعه، به بررسی اثر چرخه عمر واحد تجاری بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته شد. پس از کنترل عوامل نوع حسابرس، اندازه واحد مورد رسیدگی، ریسک مالی، سودآوری، پیچیدگی حسابرسی، اظهارنظر حسابرسی، تغییر حسابرس و پایان سال مالی در مدل قیمت‌گذاری حسابرسی، نتایج نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی، تفاوت ریسک را منعکس می‌کند و بخش قابل توجهی از حق‌الزحمه حسابرسی توسط مراحل چرخه عمر توضیح داده می‌شود به طوری که حق‌الزحمه حسابرسی واحدهای تجاری در مرحله افول نسبت به مراحل رشد و بلوغ به طور معناداری بالاتر است، و همچنین حق‌الزحمه حسابرسی در مرحله رشد نسبت به مرحله بلوغ به طور معناداری بالاتر نیست.

محدودیت‌های تحقیق

در صورت‌های مالی حق‌الزحمه حسابرسی توسط تمام واحدهای تجاری افشا نشده است، لذا هرگونه استنباط راجع به اثر چرخه عمر بر حق‌الزحمه حسابرسی باید با احتیاط انجام گیرد. استنباط ما از نتایج تحقیق به کیفیت شاخص‌های تفکیک چرخه عمر واحد تجاری بستگی دارد و تحقیقات آتی روش طبقه‌بندی مراحل چرخه عمر را بهبود بخشند.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

- با عنایت به مبانی نظری و یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:
۱. استفاده از سایر معیارهای برای تفکیک واحدهای تجاری در مراحل چرخه عمر.
 ۲. بررسی اثر چرخه عمر واحد تجاری بر تصمیمات تامین مالی.
 ۳. بررسی سیاست‌های تقسیم سود در مراحل مختلف چرخه عمر.
 ۴. بررسی اثر چرخه عمر بر جنبه‌های مختلف مدیریت سود.
 ۵. در تحقیقات آتی، می‌توان اثر صنایع مختلف را نیز مورد بررسی قرار داد.

منابع و ماخذ

۱. سجادی، سید حسین و رضا زارعی. (۱۳۸۶). تاثیر ویژگی‌های موسسه‌ی حسابرسی و صاحبکار بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۴۹، ۶۷-۹۰.
۲. علوی طبری، حسین. (۱۳۸۲). رابطه بین منافع صرف شده برای حسابرسی داخلی و مخارج حسابرسی مستقل، مطالعات حسابداری، شماره ۴.
۳. مرادی، مهدی و سید مهدی پورحسینی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین برخی ویژگی‌های مالی و غیر مالی و مدت اجرا و تکمیل عملیات حسابرسی. تحقیقات حسابداری، شماره اول، ۱۶۸-۱۸۵.
4. Aharony J., H Falk, N Yehuda (2006). *Corporate Life Cycle and the Value Relevance of Cash Flow versus Accrual Financial Information*, School of Economics and Management, Italy ,Working Paper, 34.
5. Allen, R. D., D. R. Hermanson, T. M. Kozloski, and R. J. Ramsay, (2006). Auditor Risk Assessment: Insights from the Academic Literature, *Accounting Horizons* 20(2): 157-177.
6. Anthony, J. H., and K. Ramesh. (1992). Association between accounting performance measures and stock prices. *Journal of Accounting and Economics* 15: 203-227.
7. Bell, T. B., Landsman, W. R., and D. A. Shackelford. (2001). Auditors' perceived business risk and audit fees: analysis and evidence. *Journal of Accounting Research* 39: 35-43.
8. Bixia, X (2007). *Life Cycle Effect on the Value Relevance of Common Risk Factor*, *Review of Accounting and Finance*, 6, 162-175.
9. Black, E. L. (1998). Life-cycle impacts on the incremental value-relevance of earnings and cash flow measures. *Journal of Financial Statement Analysis* (Fall):40-56.
10. Chaganti, R. (1987). Small business strategies in different industry growth environments. *Journal of Small Business Management* 25:61-65
11. Choo, T.M., Chua, M.K., Ong, C.B., and T.H. Tan. (1997). Analytical procedures for new and matured industries. *Managerial Auditing Journal* (12): 123-134.
12. Craswell, A., Francis, J., and S. Taylor. (1995). Auditor brand name reputation and industry specializations. *Journal of Accounting and Economics* 20:297-322.
13. Eichenseher, J.W., and D. Shields. (1983). The correlates of CPA-firm change for publicly held corporations. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 2:23-37.

14. Francis, J. R, and D.T. Simon. (1987). A test of audit pricing in the small-client segment of the U.S. audit market. *The Accounting Review* 32: 145-156
15. Francis, J. R. (1984). The effect of audit firm size on audit prices: a study of the Australian Market. *Journal of Accounting and Economics* 6: 133-151.
16. Gul, F. A., and J. Tsui. (2001). Free cash flow, debt monitoring, and audit pricing: further evidence on the role of director equity ownership. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 20:71-84.
17. Hand, J. R. M. (2003). The relevance of financial statements within and across private and public equity markets. Working paper of the Kenan-Flagler Business School, UNC Chapel Hill.
18. Houston, R. W., M. F. Peters, and J. H. Pratt. (1999). The audit risk model, business risk and audit planning decisions. *The Accounting Review* 74: 281–298
19. Jawahar, I. M., and G. L. Mclaughlin. (2001). Toward a descriptive stakeholder theory: an organizational life cycle approach. *Academy of Management Review* 26: 397-414.
20. Jenkins, D.S., Kane, G.D. and Velury, U. (2004). *The impact of the corporate life-cycle on the value-relevance of disaggregated earnings components*, *Review of Accounting and Finance*, Vol. 3, pp. 5-20.
21. Johnstone, K. M. (2000). Client-acceptance decisions: simultaneous effects of client business risk, audit risk, auditor business risk, and risk adaptation. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 19:1-25.
22. Johnstone, K. M. and J. C. Bedard, (2003). Risk Management in Client Acceptance Decisions, *The Accounting Review* 78(4): 1003 – 1025.
23. Johnstone, K. M. and, J. C. Bedard, (2004). The effect of competitive bidding on engagement planning and pricing. *Contemporary Accounting Research* 21: 25-53.
24. Keefe, T.B., Simunic, D. A. and M.T. Stein (1994). The production of audit services: evidence from a major public accounting firm. *Journal of Accounting Research* 32: 241-261.
25. Lei, D., and J. W. Slocum. (2005). Strategic and organizational requirements for competitive advantage. *The Academy of Management Executive* 19: 31.
26. Lyon, J.D., and M.W. Maher. (2005). The importance of business risk in setting audit fees: evidence from cases of client misconduct. *Journal of Accounting Research* 43: 133-151.
27. Nikkinen, Jussi & Petri Sahlstrom. (2005). Risk in Audit Pricing: The Role of Firm-Specific Dimensions of Risk, *Advances in International Accounting*, Vol. 19, pp. 141- 151.

28. Palmrose, Z. (1986). Audit fees and auditor size: future evidence. *Journal of Accounting Research* 24: 97-110.
29. Pashley, M. M., and G. C. Philippatos. (1990). Voluntary divestitures and corporate life cycle: some empirical evidence. *Applied Economics* 22: 1181-1196.
30. Pong, C.M., and G. Whittington. (1994). The determinants of audit fees: some empirical models. *Journal of Business Finance & Accounting* 21:1071-1095.
31. Rajaram, V. (1996). Business risk and performance: an examination of industry effects. *Journal of Applied Business Research* 12: 37-47.
32. Rubin, M.A. (1988). Municipal audit fee determinants. *The Accounting Review* 63: 219-236.
33. Simon, D. T., and J. R. Francis. (1988). The effects of auditor changes on audit fees: Tests of price cutting and price recovery. *The Accounting Review* 63: 255-269.
34. Simunic, D. A. (1980). The pricing of audit services: theory and evidence. *Journal of Accounting Research* 18:161-190.
35. Taylor, Mark h. & Daniel T. Simon. (1999). Determinants of Audit Fees: The Importance of Litigation, Disclosure and Regulatory Burdens in Audit Engagements in 20 Countries, *The International Journal of Accounting*, Vol. 34, No. 3, pp. 375- 388.
36. Wang Ming-Hui, Day-Yang Liu, Yen-Sheng Huang (2009). Dividend policy and the life cycle hypothesis, www.SSRN.com